# جلسه هشتم 23/6/1393

## [الثالث من واجبات عمرة التمتع صلاة الطواف]

***و هي الواجب الثالث من واجبات عمرة التمتع و هي ركعتان يؤتى بهما عقيب الطواف و صورتها‌ ‌كصلاة الفجر و لكنه مخير في قراءتها بين الجهر و الاخفات و يجب الاتيان بها قريبا من مقام إبراهيم عليه السلام و الأحوط بل الأظهر لزوم الاتيان بها خلف المقام، فان لم يتمكن فيصلي في أي مكان من المسجد مراعيا الأقرب فالأقرب الى المقام على الاحوط هذا في طواف الفريضة، أما في الطواف المستحب فيجوز الاتيان بصلاته في أي موضع من المسجد اختيارا***.[[1]](#footnote-1)

### جهات بحث

#### جهت اول

محقق خوئی فرموده خلافی بین مسلمین در وجوب نماز طواف نیست، اما به نظر ما تعبیر ایشان، تعبیر دقیقی نیست، زیرا مرحوم شیخ در خلاف فرموده اکثر اصحاب قائل به وجوب هستند و در عامه هم از شافعی دو قول مطرح شده است و معلوم می شود که تعبیر به لا خلاف نادرست است.

ابن ادریس هم می گوید بعضی شذاذ از اصحاب قائل به عدم وجوب نماز طواف شده اند.

#### ادله وجوب نماز طواف

#### دلیل اول: آیه 25 سوره مبارکه بقره

*وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهيمَ مُصَلًّى*

به این تقریب که ظهور امر که در وجوب است و آیه مبارکه هم مخصوص نماز طواف است، زیرا نماز دیگری در مقام واجب نیست.

#### نقد دلیل اول

اولا: به قول مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه اختلاف است که مقام ابراهیم کجاست و مرحوم راوندی هم در فقه القرآن به این اختلاف اشاره کرده، ابن عباس گفته تمام مسجد مقام ابراهیم است و عطاء گفته مشعر و عرفات همگی مقام ابراهیم است و مجاهد گفته تمام حرم مقام ابراهیم است، البته مشهور بین اصحاب این است که مقام ابراهیم، صخره ای است که اثر قدمین حضرت ابراهیم بر آن منعکس شده است، البته اختلاف است که موقع بناء کعبه پای بر این صخره گذاشته و اثر دو قدم مبارکش نقش بسته و یا وقتی از همسرش اجازه گرفت که دیدن اسماعیل بیاید، یکبار که آمدند، اسماعیل زنی داشت و گفت شوهرم نیست و گفت چیزی در خانه ندارم، فرمود به شوهرت بگو عتبه درب خانه خود را عوض کند، و وقتی حضرت اسماعیل برگشت جریان مطرح شد و او هم فهمید که باید زنش را طلاق دهد و زن دومی گرفت و در سفر دیگری حضرت ابراهیم آمدند داخل خانه شدند و غذا به حضرت داد و سنگی گذاشت که پای حضرت ابراهیم را بشوید و در آن جا اثر پای حضرت ابراهیم در صخره آشکار شد.

ثانیا: در آیه گفته نشده که باید در مقام ابراهیم نماز طواف خوانده شود، بلکه گفته شده بایستی مقام ابراهیم محل نماز و عبادت قرار داده شود و اگر گفته شود که واجب نیست نماز دیگری به غیر از نماز طواف در مقام خوانده شود، خواهیم گفت لم لایعکس؟ چرا امر اتخذوا بر استحباب حمل نشود و گفته نشود که مستحب است محل عبادت قرار دادن مقام ابراهیم به طور کلی.

#### دلیل دوم: فعل پیامبراکرم صلی الله علیه و آله

... فَلَبَّى بِالْحَجِّ مُفْرِداً وَ سَاقَ الْهَدْيَ سِتّاً وَ سِتِّينَ بَدَنَةً أَوْ أَرْبَعاً وَ سِتِّينَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَكَّةَ فِي سَلْخِ أَرْبَعٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ فَطَافَ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيم‏[[2]](#footnote-2)

#### نقد دلیل دوم

بر ما واجب نیست هر کاری که حضرت انجام داده را انجام دهیم و فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دال بر وجوب نیست.

ان قلت: در باب حج گفته شده خذوا عنی مناسککم.

قلت:

اولا: این روایت عامی و مذکور در سنن بیهقی است و حدیث معتبری نیست.

ثانیا: از کجا معلوم که مقصود این باشد که اعملوا کما اعمل، شاید مقصود این باشد که تعلّموا عنی مناسککم.

#### دلیل سوم: روایات آمره به صلاة طواف

صحیحه معاویة بن عمار: وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِذَا فَرَغْتَ مِنْ طَوَافِكَ فَائْتِ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ ع- فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ اجْعَلْهُ إِمَاما.[[3]](#footnote-3)

صحیحه دیگر معاویة بن عمار: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَبَّاسِ وَ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ فِي الْقَارِنِ لَا يَكُونُ قِرَانٌ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهَدْيِ وَ عَلَيْهِ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ رَكْعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَ سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ طَوَافٌ بَعْدَ الْحَجِّ وَ هُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ وَ أَمَّا الْمُتَمَتِّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَعَلَيْهِ ثَلَاثَةُ أَطْوَافٍ بِالْبَيْتِ وَ سَعْيَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) التَّمَتُّعُ أَفْضَلُ الْحَجِّ وَ بِهِ نَزَلَ‏ الْقُرْآنُ وَ جَرَتِ السُّنَّةُ فَعَلَى الْمُتَمَتِّعِ إِذَا قَدِمَ مَكَّةَ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ رَكْعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَ سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ يُقَصِّر.[[4]](#footnote-4)

و روایاتی که فرموده ناسی نماز طواف، باید نماز طواف را قضاء کند که بالفحوی دلالت بر وجوب اصل نماز طواف دارد.

#### جهت دوم

مقتضای اطلاق روایات این است که جهر و اخفات در نماز طواف هیچ یک وجوب تعینی ندارد و شخص بین این دو مخیر است.

مطلب دیگر این که صاحب عروه فرموده نماز جماعت در نماز طواف مشروع است، اما مرحوم امام و خوئی و آیت الله سیستانی گفته اند احتیاط واجب در ترک جماعت در نماز طواف است، زیرا گرچه اطلاق در دلیل جماعت داریم که جماعت در فریضه مشروع است و شامل نماز طواف هم می شود، اما اگر نماز جماعت خواندن نماز طواف مطلوب بود، چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نفرمود و اصلا چنین کاری معهود بین مسلمین نبوده، و گرنه مورد غفلت قرار نمی گرفت و همین کشف می کند از عدم مشروعیت آن.

ان قلت: شاید استحباب موکد نداشته باشد، نه این که بالکل مشروع نباشد.

قلت: ارتکاز متشرعی این است که اگر جماعت در نماز طواف مشروع باشد، فضیلت هم دارد و اگر فضیلت داشت، مورد رغبت قرار می گرفت و لو کان لبان.

#### جهت سوم: مکان نماز طواف

محقق خوئی در متن مناسک فرموده: نماز طواف باید قریب به مقام خوانده شود و احوط بلکه اظهر این است که خلف مقام باشد، مرحوم امام فقط الاحوط دارد، و بل الاظهر ندارد، معلوم می شود که عندیت از خلفیت واضح تر بوده است نزد این بزرگان.

به نظر ما نماز طواف در حال اختیار، هم باید عند المقام باشد و هم خلف الامام، به سبب روایاتی که بعدا ذکر خواهیم کرد، پس چرا با این حال برخی مثل مرحوم امام، احتیاط واجب در رابطه با وجوب خلفیت داده اند؟

احتمال دارد وجه آن کلام شیخ طوسی در خلاف باشد که فرموده: *يستحب أن يصلي الركعتين خلف المقام، فإن لم يفعل و فعل في غيره أجزأه. و به قال الشافعي. و قال مالك: فإن لم يصلهما خلف المقام، فعليه دم و قال الثوري: يأتي بهما في الحرم. دليلنا: أنه لا خلاف أن الصلاة في غيره مجزية، و لا تجب عليه الإعادة، و جبرانه بدم يحتاج إلى دليل، لأن الأصل براءة الذمة*.[[5]](#footnote-5)

در این جا شیخ طوسی می گوید لا خلاف در عدم وجوب صلاة طواف در خلف المقام و اجزاء نماز در غیر خلف مقام.

اما به نظر می رسد که شیخ طوسی اشتباهی کرده و شاهدش این که حتی اشاره ای به وجوب نماز عند المقام هم نکرده است، در حالی که در نهایه و مبسوط فرموده باید در مقام ابراهیم نماز طواف خوانده شود.

البته شیخ و مرحوم علامه گفته اند در حال ازدحام، وراء و یا احد الجانبین نماز خوانده می شود و ظاهرا این عبارت ناظر به بنائی است که بر روی مقام ساخته شده بوده که حجره ای کوچک بوده و چهار نفر در آن جا می شده اند و تا حدود پنجاه سال پیش در آن جا بوده و لذا مقصود از عند المقام، این بوده که در همان بناء نماز بخوانند و اگر ازدحام بود، بیرون از بناء در پشت یا کنار بناء، نماز طواف بخوانند، که نماز در جانبین هم عرفا خلف صخره می شده است.

اما عرض ما این است که فقط ازدحام نیست که مجوز نماز خواندن بیرون از بناء می شود، بلکه می شود در حال عدم ازدحام هم در بیرون بناء نماز خواند بعد از این که عند المقام صدق می کند.

کما این که مقصود از مقام در آیه که بناء مزبور نبوده، بلکه خود صخره بوده است و اصلا این بناء را بعدا ساخته اند و در زمان حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبوده است و لذا عرفا اگر اطراف صخره نماز خوانده شود، مشمول ادله خواهد بود و نماز قطعا صحیح است.

#### بررسی کلام امام در تحریر الوسیلة

يجب أن تكون الصلاة عند مقام إبراهيم عليه السلام، و الأحوط وجوبا كونها خلفه، و كلما قرب إليه أفضل، لكن لا بحيث يزاحم الناس، و لو تعذر الخلف للازدحام أتى عنده من اليمين أو اليسار، و لو لم يمكنه أن يصلي عنده يختار الأقرب من الجانبين و الخلف، و مع التساوي يختار الخلف، و لو كان الطرفان أقرب من الخلف لكن خرج الجميع عن صدق كونها عنده لا يبعد الاكتفاء بالخلف، لكن الأحوط إتيان صلاة أخرى في أحد الجانبين مع رعاية الأقربية، و الأحوط إعادة الصلاة مع الإمكان خلف المقام لو تمكن بعدها إلى أن يضيق وقت السعي.[[6]](#footnote-6)

ایشان بعد از این که فرموده واجب است نماز طواف عند المقام خوانده شود، اضافه کرده که افضل این است که نزدیکتر به مقام بایستد، در حالی که افضلیت قرب به مقام دلیل ندارد و جدا از وجوب عند المقام بودن، دلیلی بر افضلیت اقربیت به مقام نداریم.

بعد فرموده اگر خلف قریب ممکن نبود، به جانبین برود و اگر امکان نداشت که عند المقام نماز خوانده شود، یختار الاقرب من الجانبین و الخلف، ولو هیچ یک عند المقام نباشد و در ذیل فرموده اگر طرفان اقرب به خلف باشد، ولی هیچیک از خلف و جانبین عند المقام نباشد، بعید نیست که به نماز خلف المقام اکتفاء شود و این قرینه می شود که عبارت یختار الاقرب من الجانبین، یعنی یجوز و یا حداقل اولی این است، نه این که اختیار اقرب، واجب باشد.

لذا آن چه در ترجمه تحریر در مناسک نوشته شده که باید اقربِ از جانبین و خلف را اختیار کند، ناصحیح است.

### بررسی روایات مکان نماز طواف

#### روایات وجوب خلف المقام بودن نماز طواف

#### روایت اول: صحیحه ابراهیم بن ابی محمود

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا (عليه السلام) أُصَلِّي رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ أَوْ حَيْثُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص- قَالَ حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ.

به این تقریب که حضرت ارتکاز سائل بر لزوم خلفیت را تقریر نمود.

#### نقد دلالت روایت اول

سائل در مقام سوال از لزوم خلفیت نبوده، بلکه مفروغ گرفته که می خواهد در خلف نماز بخواند و سوالش این است که مقام فعلی مهم است و یا مقام زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و شاید چون افضل یا متعارف بوده که خلف المقام نماز طواف را می خواندند، خلفیت را مفروغ عنه گرفته است.

1. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 143 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة ج‏11 214 2 باب كيفية أنواع الحج و جملة من أحكامها ..... ص : 212 [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة ج‏13 423 71 باب وجوب كون ركعتي الطواف الواجب خلف المقام حيث هو الآن و استحباب قراءة التوحيد و الجحد فيهما و ذكر الله بعدهما ..... ص : 422 [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة ج‏11 213 2 باب كيفية أنواع الحج و جملة من أحكامها ..... ص : 212 [↑](#footnote-ref-4)
5. الخلاف، ج‌2، ص: 327 [↑](#footnote-ref-5)
6. تحرير الوسيلة، ج‌1، ص: 436 [↑](#footnote-ref-6)